

کریستن سن در ایران

فرخ امیرفریار

فراسوی دریای خزر. سفرنامه‌ی آر تور کریستن سن به ایران و ترکستان در آستانه‌ی جنگ جهانی. آر تور امانوئل کریستن سن. ترجمه‌ی منیژه احمدزادگان آهنی و علی آلفونه. تهران: طهوری، ۱۳۸۵. ۳۳۶ ص. مصور، نمونه‌سند، نقشه. ۵۴۰۰۰ ریال.

فراسوی دریای خزر، سفرنامه‌ی آر تور کریستن سن دانشمند ایران‌شناس و ایران دوست دانمارکی به ایران و ترکستان در ۹۳ سال پیش است و خاتمه‌ی سفر او مقارن با آغاز نخستین جنگ جهانی است. این زمان هشت سال از امضای فرمان مشروطه گذشته و مقارن با تاج‌گذاری احمدشاه قاجار است. ایران این دوران گرفتار ناامنی، فقر، کمبود مایحتاج و مصائب دیگر است. شش سال بعد در سال ۱۲۹۹ کودتا می‌شود. در همین سالهاست که روزنامه‌ی نسیم شمال در شعر ی طنزآمیز می‌نویسد:

همدان و قم و شیراز و صفاهان مغشوش
أوج و ساوه، زرنند و خلجستان مغشوش
بجز از نقطه‌ی طهران همه ایران مغشوش...

کشور کوچک دانمارک در اروپا پیشینه‌ای طولانی و ممتاز در پژوهش درباره‌ی خاورزمین دارد. مترجمان کتاب حاضر در پیشگفتار خود به این موضوع نیز پرداخته‌اند. کریستن سن که اکنون بیش از ۶۰ سال از مرگش می‌گذرد در حوزه‌ی پژوهش‌های ایران‌شناسی نامی بلند دارد. شماری از آثار او از نیم قرن پیش تا امروز، اغلب به دست برجسته‌ترین دانشمندان ایرانی ترجمه شده است. سلطنت قباد و ظهور مزدک گویا نخستین کتابی از او باشد که به فارسی ترجمه شده است (ترجمه‌ی نصرالله فلسفی و احمد بیرشک، ۱۳۰۶)؛ وضع مملکت و دولت و دربار در دوره‌ی شاهنشاهی ساسانیان (ترجمه‌ی مجتبی مینوی، ۱۳۱۴)؛ ایران در زمان ساسانیان (ترجمه‌ی رشید یاسمی، ۱۳۱۷)؛ کیانیان (ترجمه‌ی ذبیح‌الله صفا، ۱۳۳۶)؛ بررسی انتقادی رباعیات خیام (ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای، ۱۳۷۴)؛ و داستان بهرام چوبین (ترجمه‌ی منیژه احمدزادگان، ۱۳۸۲) برخی از ترجمه‌های فارسی آثار کریستن سن است.

کریستن سن در سال ۱۸۷۵ در دانمارک به دنیا آمد. آشنایی با کتاب و علاقه‌مندی به آن از کودکی اش آغاز شد و تا هنگام مرگ این علاقه‌مندی با او بود. گفته‌اند مادرش اغلب مجبور می‌شد کتاب را از دستش بگیرد و او را به گردش ببرد. در انشائی که در سیزده سالگی نوشت آرزو کرد زبان‌شناس شود و علاوه بر زبانهای اسلاوی و شرقی، در ترانه‌های عوام و فرهنگ مردم شرق مطالعه کند. بعدها بارها گفته بود که خواندن هزار و یک شب در ایام کودکی تأثیر شگرفی در ایجاد علاقه‌ی او به این گونه مطالعات داشته است.

وی پس از پایان دبیرستان در دانشگاه زبان فرانسه و تاریخ و لاتین خواند. سپس رفته‌رفته به مطالعات ایرانی علاقه‌مند شد. در آن زمان دانشگاه کپنهاگ رشته‌ی خاصی برای مطالعات ایرانی نداشت و زبان فارسی جزئی از برنامه‌ی زبان عربی بود. زبان پهلوی نه معلمی داشت و نه شاگردی، و دانشجوی این رشته باید خود مستقلاً به مطالعه می‌پرداخت. کریستن سن هنوز دانشگاه را به پایان نرسانده بود که نخستین رساله‌اش را با عنوان «رستم پهلوان ملی ایران» در سال ۱۸۹۸ منتشر کرد. رساله‌ی دکترای او «پژوهش در رباعیات خیام» بود. پس از خاتمه‌ی تحصیلات تا پایان عمر به تدریس و پژوهش پرداخت. شمار رساله‌ها، مقاله‌ها و کتابهای او افزون بر ۳۰۰ عنوان است. وی هر چند دانمارکی بود اما اکثر کتابهای مهم خود را به زبان فرانسه نوشت تا خوانندگان بیشتری از آنها بهره‌مند شوند. فرانسه را فصیح و شیوا می‌نوشت، همچنین به زبانهای انگلیسی و آلمانی نیز کتاب و مقاله نوشته است. کریستن سن شعر نیز می‌سرود. رباعیات خیام و بخشی از شاهنامه را به نظم دانمارکی ترجمه کرده است. رمان نیز نوشته است.

دکتر اسلامی ندوشن در یادداشت‌های سفر خود به دانمارک در سال ۱۳۵۰ درباره‌ی کریستن سن نوشته است: «کریستن سن در میان ایران‌شناسان اخیر برای ما سیمای محبوبی دارد. گذشته‌ی ارزش تحقیقی آثارش مردی است که مایه‌ی شاعرانه‌ای را که در فکر و فرهنگ ایران است در نوشته‌های خود پر توافکن کرده است؛ وی یک محقق خشک نیست که با ایران همان‌گونه روبه‌رو شده باشد که با مومیایی. وسعت و تنوع و آبداری آثارش، حاکی از جودت ذهن و لطف احساس و سرزندگی اوست.»

کریستن سن سه بار به ایران آمد. کتاب حاضر حاصل نخستین سفر او به ایران و ترکستان است که از فوریه تا اوت ۱۹۱۴ / ۱۲۹۳ ش طول کشید. دو سفر دیگر او در سالهای ۱۳۰۸



و ۱۳۱۳ ش بوده است.

هدف اصلی او از این سفر پژوهش و بررسی و جمع‌آوری گویش سمناهی بود. کریستن سن عقیده داشت که زبانها دارای منشأ خاص خود هستند و برای مشاهده‌ی تحولات زبانهای هند و اروپایی می‌توان از

طریق گویشها به منشأ زبان رسید. حاصل علمی این سفر سه کتاب گویش سمناهی (۱۹۱۵)، داستانهای فارسی به زبان عامیانه (۱۹۱۸) و پژوهشی درباره‌ی شناخت گویشهای ایرانی (۱۹۳۰) است. علاوه بر این سه کتاب، چند مقاله نیز درباره‌ی ایران منتشر کرد.

یکی دیگر از هدفهای او از این سفر غنی کردن مجموعه کتابهای فارسی و عربی کتابخانه‌های سلطنتی دانمارک بود. و در طول اقامتش در تهران ۱۵۲ جلد کتاب به زبانهای فارسی و عربی خرید.

اما کتاب حاضر، فراسوی دریای خزر را به نوعی می‌توان محصول جنبی این سفر دانست که هدف اصلی آن همان گونه که گفتیم پژوهش درباره‌ی گویش سمناهی بود. وی نخست به تهران و سپس به سمنان می‌رود. کریستن سن هنگام سفر به ایران سی و نه ساله بوده و این سن مناسبی برای سفر پژوهشی است. شخص دانش و تجربه‌ی کافی اندوخته و در عین حال از توانایی و نیروی بدنی کافی نیز برخوردار است. بخصوص سن مناسب از آن رو اهمیت دارد که با نبود و کمبود بسیاری از امکانات در ایران آن زمان و حتی جهان، فرد مُسن و بیمار با مشکلات بسیاری در سفر مواجه می‌شده است. وی در پیشگفتار کتابش می‌نویسد: «یادداشت‌های من درباره‌ی ترکستان چیزی بجز مشاهدات یک جهانگرد معمولی نیست، فقط با آشنایی با تاریخ و ادبیات منطقه توانستم تصویری ژرفتر از مشاهداتم ارائه دهم. در مورد ایران، که بیشتر سفرم را در آنجا گذراندم - حدود چهار ماه - امکان ارائه‌ی مشاهداتم به مراتب بیشتر بود، زیرا به سرزمینی قدم گذاشتم که طی سالها با زبان، شیوه‌ی زندگی، گرایشهای فکری و تا حدی شخصیت مردم آن آشنایی داشتم. صحبت کردن با شرقی‌ها به زبان خودشان، باعث می‌شود که انسان درکی ژرفتر از یک جهانگرد عادی، که صرفاً ظاهر را می‌بیند، پیدا کند. او به راحتی می‌تواند رابطه‌ی دوستانه‌ای با مردم آن سرزمین ایجاد کند و از این طریق با بهترین خلقیات آنان آشنا گردد. در نهایت او می‌تواند تصویری متفاوت از شرایط و رابطه‌ی شرقی‌ها با مردم و دولتهای بیگانه ارائه دهد. چنین مشاهداتی اساس این کتاب را تشکیل می‌دهد.»

فراسوی دریای خزر کتابی خوشخوان سرشار از توصیف و نکته‌سنجی است. شماری هم تصویر دارد که برخی را خود کریستن سن گرفته و برخی هم کارت پستال‌هایی است از مناظر و بناهای ایران. وی در مواردی اجناس و خدمات را نیز ذکر کرده که جالب توجه است. مترجمان تصاویر مدارک سفر او را از آرشیو کتابخانه‌ی سلطنتی دانمارک به پایان کتاب افزوده‌اند.

کریستن سن در بیان مشاهداتش هم به جنبه‌های منفی اشاره می‌کند و هم به جنبه‌های مثبت. پاره‌ای از نکات منفی مورد اشاره‌ی وی درباره‌ی خصوصیات ایرانیان در سفرنامه‌های فرنگیان دیگر نیز دیده می‌شود که برخی از آنها هنوز هم گریانگیر ماست و خود نیز به آن اذعان داریم؛ از جمله بی‌توجهی به ارزش وقت. کریستن سن می‌نویسد وقت مفهومی است که شرقی‌ها درک درستی از ارزش آن ندارند. شاید هیچ چیز دیگری به اندازه‌ی کم‌اعتنایی شرقی‌ها به ارزش وقت، دنیای مشرق زمین را از دنیای مغرب زمین متمایز نمی‌کند. غربی می‌گوید: «وقت طلاست»، در صورتی که شرقی می‌گوید: «عجله کار شیطان است و

تأمل کار خدا» و به دنبال این نظر، داستان بامزه‌ای هم نقل می‌کند.

در باره برداشت ایرانیان از زندگی می‌نویسد: درک ایرانیان از زندگی نشان از یک بدبینی فکری دارد که الزاماً آنان را به دودلی و تشویش روحی نمی‌کشانند بلکه حس زیبایی پرستانه آنان را ارضا می‌کند. به نظر آنان زندگی هیچ است و دنیا سرابی بیش نیست. اما این برداشت ایرانی را مخالف لذات دنیوی یا دچار افسردگی نمی‌کند.

وی به فساد میان سیاستمداران و خرید و فروش مقام نیز اشاره می‌کند و آن را مشکل اصلی ایران می‌داند. با آنکه ایران را دوست دارد ولی می‌گوید بسیاری خصلتهای زنده و ناخوشایند در ایرانیان وجود دارد. اما در عین حال می‌گوید روی هم رفته تجربه‌هایش از اخلاقیات مردم عامی ایران چندان ناگوار نبوده است. مردمان خوب و درستکار از هر طبقه جامعه کم ندیده است. ولی این تساهل رایج همه جانبه، این گرایش به سُستی و بطالت، عدم دقت و ارج ننهادهن به زمان نمی‌گذارد که او به پیشرفت مردم ایران امیدوار باشد.



آرتور کریستن سن

نسخه‌ها برای گرانتر فروختن آنها می‌کرده‌اند. آنچه درباره مشکلات ارسال و پست کردن کتاب هم نوشته شده خواندنی است.

گذشته از اینها در جای جای کتاب اظهار نظرهای علمی و کارشناسانه درباره برخی مسائل فرهنگ و تاریخ ایران هست: منشأ موسیقی شرق که او آن را نوای موزون زنگهای شترها در سفرهای دور و دراز می‌داند، تاریخچه نوروژ، میانگین بارندگی در ایران، داستانهای عامیانه شرقی و ...

فصل یازدهم کتاب که عنوان آن «ایران در سیاست جهانی» است در واقع نگاهی است به وضعیت سیاسی ایران در آن دوران: رقابت روس و انگلیس در ایران، ماجرای شوستر، فعالیت آلمانی‌ها و افسران سوئدی ژاندارمری در ایران و وضعیت ایران در نخستین جنگ جهانی که بیانگر دیدگاه نویسنده درباره اوضاع سیاسی ایران است. این فصل حاصل مشاهدات و مطالعات و گفت و گوهایی است که او با ایرانیان، روس‌ها، بلژیکی‌ها

و فرانسوی‌ها کرده است.

نظر کریستن سن به نهضت مشروطه مثبت نیست. می‌نویسد: در این سالها که ایران انتظار فراخوان مجلس سوم را می‌کشید، مردانی به ظاهر مشروطه خواه اما در باطن مستبد بر ایران حکومت می‌کردند که در واقع همان دولتمردان نظام سابق بودند. نظام قدیم، که استبدادی بود، بر یک اصل ساده و به سهولت قابل درک بنا شده بود: آن کسی که در صدر نظام قرار می‌گیرد می‌بایست تا آنجا که می‌تواند کشور را بچاپد؛ و نظام جدید که مشروطه

نام دارد نیز دقیقاً بر همین اصل بنا شده است. همان افرادی که پیشتر از برکت الطاف شاهانه امکان پر کردن جیبهای خود را داشتند، اکنون با وجود قانون اساسی، در موقعیتی قرار دارند که همان شغل دلخواه پیشین را ادامه دهند! به نظر او به دست آوردن چنین حاصلی به زحمت انقلاب نمی‌ارزیده است.

یکی از بخشهای جالب کتاب توصیفی است که کریستن سن از روزهای آغازین جنگ اول به دست می‌دهد. وی در آن هنگام می‌خواهد از راه روسیه به اروپا برود. روسی نمی‌داند، کنجکاوست. بفهمد چه اتفاقی افتاده. در رفتار و سکنات مسافران دقیق می‌شود و ... توصیفهای او از این وضعیت خواندنی است.

مترجمان این کتاب را از اصل دانمارکی آن ترجمه کرده‌اند. زبان ترجمه روان و مناسب زمان و حال و هوای کتاب است. در بسیاری موارد نیز توضیحاتی درباره اشخاص و مکانها آورده‌اند.

* «پهشت یا زندان؟ و یادداشتهای سفر دانمارک»، یغمه شماره بی دربی ۲۸۰، (دی ۱۳۵۰). اطلاعات مربوط به کریستن سن نیز از مقاله‌ای است که دکتر فریدون وهمن درباره او نوشته است: «آرتور کریستن سن: ایران شناس و ایران دوست دانمارکی». یغمه س ۲۲، ش ۷ و ۸ (مهر و آبان ۱۳۴۸).

یکی از پاره‌های جالب توجه کتاب توصیفی است که او از شخصیت سالار اشرف که در آن هنگام مرد بیست و هشت ساله‌ای است به دست می‌دهد. سالار اشرف پسر احتشام السلطنه (نخستین رئیس مجلس شورای ملی) است که سالهایی را در اروپا زندگی کرده است. توصیفی که کریستن سن از شخصیت سالار اشرف به دست می‌دهد جالب و دقیق است. او می‌نویسد مطالعه آدمهایی مانند سالار اشرف که تأثیر شرق و غرب در ذهن آنان

در نبرد است از نظر روان شناسی جالب است، شرقی بودن او با نگاهی سطحی به چشم نمی‌آید. او طبیعت و عادات اروپایی داشت. فرانسه و آلمانی می‌دانست و مانند یک اروپایی در مورد مسائل روز صحبت می‌کرد. اما در بطن خود هنوز یک شرقی بود. هرگاه که صحبت به مسائل ژرف می‌کشید، استدلالهایش همانند ایرانی‌ها می‌شد. چندان مذهبی نبود، اما مخالف مذهب هم نبود.

نطفه تغییر و گذار و تبدیل تهران از شهری شرقی به شهری شبیه شهرهای فرنگ در آن سالها دارد بسته می‌شود. برداشت کریستن سن این است که حاصل این تلاش برای اروپایی شدن آن است که زیباییهای شرقی از میان می‌رود بدون آنکه نظیر آسایش اروپایی فراهم گردد. اصابت نظر او را اکنون پس از ۹۰ سال در بسیاری از شهرهای ایران می‌بینیم.

از دیگر نکاتی که توجه او را جلب کرده، برخی شلختگی‌هاست. در روستاها بناهای کهنه و به درد نخور را خراب نمی‌کنند و همین طور آنها را رها می‌کنند و در کنار آنها بناهای تازه می‌سازند! یا اینکه دلچانی که از کار افتاده بوده مدت‌ها در کنار جاده می‌ماند. مناظری که متأسفانه امروز هم دیده می‌شود.

گفتیم که یکی از هدفهای کریستن سن در این سفر خرید نسخه‌های خطی بوده است. در آن زمان ایرانیان به ارزش و اهمیت این نسخه‌ها برای فرنگیان پی برده بودند و تقلب و دستکاری‌ای در برخی

